

## مدل اصلاح و راهکارهای گسترش سبک زندگی اسلامی

مجید کافی\*

### چکیده

ارائه راهکارهای اجرایی برای ایجاد یا گسترش سبک زندگی در حوزه مدل‌های اجرایی روش‌شناختی و مدیریت استراتژی و راهبردی است. مدل‌های اجرایی روش‌شناسانه خاص گسترش سبک زندگی نیست و ظرفیت آن را دارند که برای ایجاد یا گسترش هر پدیده‌ای در جامعه به کار گرفته شوند. این تحقیق درصدد ارائه یک مدل از این مدل‌ها و انطباق آن با سبک زندگی و در نهایت ارائه راهکاری برای گسترش سبک زندگی اسلامی در جامعه است. از این رو سؤال تحقیق این گونه صورت‌بندی شده است که راهکارهای گسترش سبک زندگی اسلامی در جامعه چیست؟ و براساس چه مدلی می‌توان به این مهم دست یافت؟ روش تحقیق کیفی است که از تکنیک مصاحبه نیمه‌متمرکز برای جمع‌آوری داده و تحلیل محتوا در شیوه کدگذاری‌های سه‌گانه برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. تحقیق به سه نتیجه اصلی رسید که عبارتند از: ۱. دو دسته راهکار به دست آمد که در دو مدل ارائه شدند: یکی مدل فرایندی راهکارها و دیگر مدل اجرایی راهکارها؛ ۲. راهکارها در هفت دسته کیفیت‌بخشی نیروی انسانی، برنامه‌ریزی فرهنگی، راهکارهای تربیتی-اخلاقی، راهکارهای محتوایی، راهکارهای مدیریتی، راهکارهای ساختاری دسته‌بندی شدند؛ ۳. در باب مدل سبک زندگی اسلامی نیز داده‌های بسیار زیادی در مصاحبه‌ها وجود داشت که به ساخت مدل سبک زندگی و استخراج نظریه انجامید. واژگان کلیدی: سبک زندگی، کیفیت‌بخشی نیروی انسانی، برنامه‌ریزی فرهنگی، راهکارهای محتوایی، راهکارهای مدیریتی، راهکارهای ساختاری.

## مقدمه

هدف علوم انسانی شناخت رفتار مردم به صورت فردی و اجتماعی به طور واقعی است، اما به نظر می‌رسد شناخت صرف رفتارهای فردی و اجتماعی مردم بدون رویکرد هنجاری به آنها مطلوبیت ندارد، بلکه ارزشمندی و مطلوبیت دستاوردهای علمی آن در گرو آن است که در راستای اصلاح و تحقق آرمان‌های جامعه قرار گیرد. روشن است که در رأس آرمان‌های یک جامعه دین‌مدار، تأمین پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی مردم قرار دارد. پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی مردم نیز در گرو کنترل پدیده‌های طبیعی و انسانی به منظور رفع نیازها و اصلاح و حل مشکلات زندگی انسان و نیز تقویت دین‌مداری در نتیجه شناخت نظم‌ها و قوانین حاکم بر پدیده‌های جان و جهان است. از این رو اصلاح فردی و اجتماعی کانون توجه فعالیت‌های علمی و عملی فردی و اجتماعی است. ارائه راهکارهای اجرایی برای ایجاد، اصلاح و یا گسترش یک امر اجتماعی مثل سبک زندگی در حوزه مدل‌های اجرایی روش‌شناختی و مدیریت استراتژی و راهبردی است. مدل‌های اجرایی روش‌شناسانه خاص گسترش یک پدیده نیست و ظرفیت آن را دارند که برای ایجاد یا گسترش هر پدیده‌ای در جامعه مثل فرهنگ دینی، سبک زندگی و... به کار گرفته شوند. این تحقیق درصدد ارائه یک مدل از این مدل‌ها و انطباق آن با سبک زندگی و در نهایت ارائه راهکارهای گسترش سبک زندگی اسلامی در جامعه است.

## مدل اصلاح سبک زندگی براساس آیات قرآن

برای اصلاح جامعه و سبک زندگی به علم و مدل‌های علمی متعدد نیاز هست. اما علوم موجود بیشتر ناظر به هست‌ها هستند تا باید‌ها. از این رو علوم موجود را باید با هدف اصلاح عالم و آدم (هنجاری و توصیه‌ای کردن) بازسازی کرد؛ به عبارت دیگر باید نیم‌نگاهی نیز به هنجاری شدن علوم موجود در پرتو تعالیم و پارادایم اسلامی علوم انسانی انداخت. مقصود از تعیین هدف اصلاحی و هنجاری علم آن است که هر علمی باید نوعی اصلاح در جهان هستی، اعم از اصلاح طبیعی و انسانی (فردی و اجتماعی) را به همراه داشته باشد. براساس این، علم باید اصول و توصیه‌های اصلاحی برای تحقق آرمان‌ها و وضعیتی بهتر در جامعه اسلامی را ارائه دهد.

برای اینکه بتوانیم مدل خود را ارائه دهیم، شایسته است، مروری بر پاره‌ای از آیات داشته باشیم. مدل مورد نظر این تحقیق مدل «اصلاح اجتماعی» است که از آیات قرآن استنباط شده است. در بسیاری از آیات قرآن، مسلمانان به اصلاح امور فردی و اجتماعی توصیه شده‌اند. اصلاح امور فردی و اجتماعی به طور مسلم به اصلاح سبک زندگی مردم نیز منجر خواهد شد. در قرآن

راهکارهایی برای اصلاح امور اجتماعی ارائه شده است که می‌توان به‌عنوان مدل فراتجربی تحقیق از آنها استفاده کرد.

رویکرد اقتصادی؛ یکی از راهکارهای اصلاح سبک زندگی مردم، اصلاح اقتصاد جامعه است. اقتصاد و سبک زندگی به‌عنوان فرهنگ جامعه بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. برخی اوقات اصلاح سبک زندگی (فرهنگ) در گرو اصلاح امور اقتصادی است. این راهکار مبتنی بر این بینش است که در اسلام، اصلاح امور مادی مقدمه اصلاح امور معنوی است. بدون تأمین معیشت مردم و محبت به آنان، توقع اصلاح سبک زندگی آنان را نباید داشت. بنابراین یکی از عوامل اصلاح سبک زندگی مردم در گرو اصلاح وضع معیشتی آنان است. اگر اصلاح سبک زندگی در زمانی مطرح شود که مردم مشکلات معیشتی دارند، اصلاح محقق نمی‌شود.<sup>۱</sup>

رویکرد فردی و روان‌شناختی؛ استفاده از عواطف مردم نیز یکی از راهکارهای اصلاح سبک زندگی است. در راستای اصلاح سبک زندگی اجتماعی مردم می‌توان از عواطف کمک گرفت؛ چراکه جامعه محصول ارتباطات اجتماعی مردم است. ارتباط اجتماعی مبتنی بر عواطف و احساسات مهم‌ترین نوع ارتباط و ضامن انسجام سبک زندگی اجتماعی است. بنابراین برای اصلاح سبک زندگی عواطف و احساسات مؤثرند.<sup>۲</sup>

رویکرد ساختاری؛ توجه به ساختارهای سیاسی و اجتماعی نیز می‌تواند راهکاری برای اصلاح سبک زندگی اجتماعی باشد. اصلاح سبک زندگی و جلوگیری از فساد، بدون قدرت منسجم و مسئول مشخص امکان ندارد. برای اصلاح سبک زندگی مدیریت لازم است. نظارت اجتماعی از لوازم حفظ انسجام زندگی اجتماعی می‌شود.<sup>۳</sup>

نگرش اراده‌گرایانه؛ اصلاح سبک زندگی امری ارادی است. اصلاح سبک زندگی افزون بر اینکه نیازمند مدیریت و ساختارهای سیاسی و اجتماعی است، امری مردمی نیز هست. مردم باید خود به اصلاح جامعه پردازند، نه آنکه تنها از خداوند و رهبران دینی انتظار اصلاح داشته باشند. بنابراین مهم‌ترین عامل اصلاح سبک زندگی مردم هستند. تا مردم نخواهند و اقدام نکنند جامعه اصلاح نمی‌شود.<sup>۴</sup>

قاطعیت در کنار راهنمایی؛ فعالیت فرهنگی (آموزش، موعظه، نصیحت و...) و سیاسی

۱. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ كُنتُمْ لَإِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (بقره، ۱۷۲).

۲. قُلْ إِنْ كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (آل عمران، ۳۱).

۳. وَلَئِنْ كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (آل عمران، ۱۰۴)؛

برای آگاهی بیشتر از برداشت‌هایی که از آیات شده: ر.ک: قرآنی، تفسیر نور.

۴. قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ (مائدة، ۲۴)؛ برای آگاهی بیشتر از برداشت‌هایی که از آیات شده: ر.ک: قرآنی، تفسیر نور.

(اعمال قدرت و کنترل اجتماعی) برای سبک زندگی اجتماعی لازم و ضروری است. از این رو برای اصلاح سبک زندگی، هم راهنمایی و موعظه لازم است، هم قاطعیت و کنترل شدید.<sup>۱</sup>

نقش ایمان؛ برای اصلاح سبک زندگی، باید به سراغ عامل اصلی رفت. عامل اصلی اصلاح ایمان است که می‌تواند هر امر فردی و اجتماعی از جمله سبک زندگی را اصلاح کند. حاکمان تأثیر بسزایی در اصلاح یا فساد جامعه و در پی آن سبک زندگی دارند. حکومت طاغوت عامل فساد سبک زندگی است. برای اصلاح جامعه باید به اصلاح حکومت پرداخت.<sup>۲</sup>

وسیله اصلاح؛ اقامه نماز، وسیله اصلاح سبک زندگی است. اصلاح اجتماعی و سبک زندگی دارای دو شرط اساسی است: التزام به آموزه‌های بینشی، گرایشی و رفتاری که از طرف خداوند بیان شده و ارتباط با خدا از راه پایبندی به اقامه نماز. اصلاح خود و اصلاح رابطه خود با دیگران و عمل به فرمان‌های الهی از پیامدهای اقامه نماز است. و در صورت اصلاح خود و ارتباط با دیگران سبک زندگی نیز تا حد زیادی اصلاح خواهد شد.<sup>۳</sup>

نقش گذشت؛ مقدمه و بستر اصلاح سبک زندگی ایشار و از خودگذشتگی است، در شرایط انتقام و کيفر، اصلاح زمینه‌ای ندارد.<sup>۴</sup>

لجاجت مانع اصلاح؛ اما یکی از موانع اصلاح سبک زندگی در جامعه نیز لجاجت گروه‌های مرجع است. با وجود لجاجت دانشمندان به‌عنوان گروه مرجع جامعه، امیدی به اصلاح جامعه و سبک زندگی نیست. اصلاح سبک زندگی در گروه صالح بودن گروه‌های مرجع است.<sup>۵</sup>

نتیجه اصلاح؛ افزون بر موارد پیش گفته به این نکته می‌توان اشاره کرد که شاید بتوان ادعا کرد، رفع نیازی که در پاره‌ای از روایات برای هدف علم مطرح شده است، در راستای اصلاح سبک زندگی قابل طرح باشد. به عبارت دیگر رفع نیاز اعم از فردی و اجتماعی خود نوعی اصلاح فردی و اجتماعی به حساب می‌آید.

### سؤال و هدف تحقیق

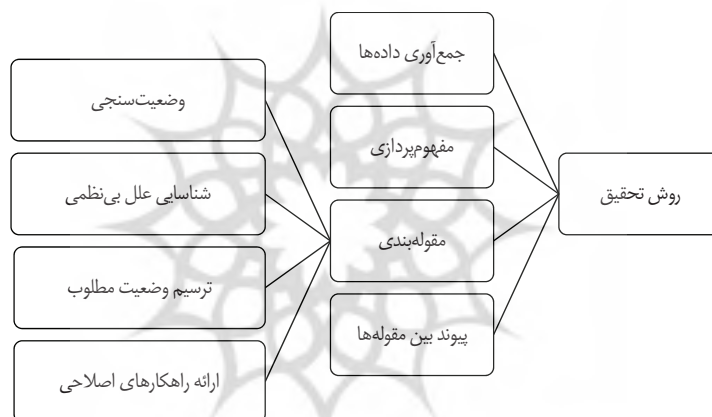
حال با بیان مقدمه پیش گفته می‌توان سؤال تحقیق را این‌طور صورت‌بندی کرد که راهکارهای اصلاح سبک زندگی در جامعه اسلامی کدامند؟ به عبارت دیگر راهکارهای گسترش سبک زندگی اسلامی در جامعه چیست و براساس چه مدلی می‌توان به این مهم دست یافت؟

۱. إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُنَقَّلَ أَيْدِيهِمْ وَأُزْلِفَتْ لَهُمْ مِنْ خِلَافِ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (مانده، ۳۳).
۲. ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (اعراف، ۱۰۳).
۳. وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُضِلِّينَ (اعراف، ۱۷۰).
۴. وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (شوری، ۴۰).
۵. أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (بقره، ۷۵).

یکی از اهداف این تحقیق می‌تواند شناخت مسائل و مشکلات مورد اتفاق درباره سبک زندگی موجود باشد؛ افزون بر این هدف، ارائه راه‌حل‌ها و راهکارهایی برای حل مسائل و مشکلات سبک زندگی اجتماعی اصلی‌ترین هدف این تحقیق است. در این پژوهش توصیه‌ها و پیشنهادهایی برای رهایی از ضعف‌های موجود و نزدیک شدن به وضعیت مطلوب در قالب راهکارهای اصلاح سبک زندگی ارائه خواهد شد.

### روش تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه ترکیبی است بین تحلیل محتوای استراس آنسلم<sup>۱</sup> و مدل اصلاحی چهارجانبه توماس اسپریگنز<sup>۲</sup> که به صورت زیر تلفیق و درهم شده‌اند.



نمودار ۱: مدل تحلیل تحقیق

### جمع‌آوری داده‌ها

رویه جمع‌آوری داده‌های تحقیق مصاحبه است. از آنجا که در مورد راهکارهای گسترش سبک زندگی در ادبیات موجود و اسناد و مدارک کتابخانه‌ای اطلاعات مورد نیاز موجود نبود، درصدد برآمدیم با مصاحبه به تولید چنین داده‌هایی دست بزنیم. در مصاحبه نوعی بارش فکری اتفاق می‌افتد که منجر به تولید داده‌هایی در مورد موضوع مورد بررسی خواهد شد. مصاحبه‌ها نیمه‌باز بودند. پرسش‌های مصاحبه‌ها از قبل مشخص و نه کاملاً باز و نه کاملاً بسته و هدایت شده به

۱. برای آگاهی بیشتر از این روش ر.ک: استراس و کوربین، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها.  
 ۲. برای آگاهی بیشتر از این روش ر.ک: اسپریگنز، فهم نظریه‌های سیاسی.

جهتی خاص و مشخص طرح شدند. پرسش‌ها به شکلی طرح شده بودند که اطلاعاتی را از مصاحبه‌شونده درباره‌ی راهکارهای گسترش سبک زندگی کسب کنند. پرسش‌ها به‌طور ضروری با همان نظم و ترتیبی که آورده شده است، و با همان جمله‌بندی که بیان شده، مطرح نمی‌شدند. سعی شده است به مصداق «مستمع صاحب سخن را بر سر ذوق آورد»، عمل کرده و مصاحبه‌شونده را به سخن گفتن صریح آن‌گونه که دلش می‌خواهد، ترغیب کند.

### سؤال‌های مصاحبه‌ها

سؤال‌هایی که در مصاحبه مورد توجه بودند، در دو بخش نظری و کاربردی تنظیم شدند. یک دسته مربوط به مباحث تئوریک و مبانی نظری سبک زندگی و دسته‌ی دیگر در باب عوامل، راهکارها و موانع نهادینه شدن و توسعه‌ی سبک زندگی اسلامی است.

### سؤال‌های نظری

۱. مسائل سبک زندگی ایران معاصر کدامند؟
۲. مدیریت، برنامه‌ریزی و اصلاح سبک زندگی در جامعه و سازمان‌های اجتماعی باید از طرف رأس هرم یا از طرف قاعده هرم اجتماعی شروع شود؟
۳. برنامه‌ریزی فرهنگی، براساس میزان و نوع دخالت حکومت، باید به صورت نظارت و حمایت یا به صورت تصدی‌گری باشد؟
۴. دلایل اهمیت و توجه به سبک زندگی اسلامی در جامعه ایران معاصر چیست؟
۵. نسبت سبک زندگی اسلامی با سایر سبک‌های زندگی (غیردینی، سکولار، لیبرال و...) چیست؟
۶. آیا سبک زندگی اسلامی یکی از مصداق‌های خاص‌گرای فرهنگی جامعه ایرانی است؟
۷. آیا توجه به سبک زندگی اسلامی می‌تواند به دلیل مواجهه با جهانی شدن فرهنگ باشد و در مواجهه با آن تبیین شود؟
۸. نسبت سبک زندگی اسلامی با تمدن‌سازی چیست؟
۹. سبک زندگی اسلامی به‌عنوان یک متغیر وابسته، تحت تأثیر چه متغیر یا متغیرهایی - نابرابری‌های اجتماعی، تجدد، قدرت و سیاست، فطرت و حفظ یکپارچگی فرهنگی - رشد و نمو می‌یابد؟
۱۰. آسیب‌های سبک زندگی اسلامی کدامند؟

### سؤال‌های اجرایی و کاربردی

۱. در جامعه و خانواده‌های ایرانی چه مسئله یا مسائلی وجود دارد که راهکار حل آنها گسترش سبک زندگی اسلامی در جامعه و خانواده‌هاست؟ آیا این مسائل در استان‌های مختلف به لحاظ قومیت و نوع فرهنگ آنان یکسان است؟
  ۲. موانع موجود برای عملی شدن راهکارهای گسترش سبک زندگی در جامعه کدامند؟
  ۳. آسیب‌های گسترش سبک زندگی اسلامی در جامعه ایران چیست؟
  ۴. چرا با وجود فعالیت‌های گسترده سازمان‌ها و نیروهای فرهنگی در طی سه دهه گذشته در جامعه، هنوز مسئله‌ای به نام سبک زندگی ایرانیان مطرح است؟
  ۵. آیا گسترش سبک زندگی اسلامی در جامعه، بدون توجه به فرهنگ مسلط و بدون تغییر و اصلاح فرهنگی در جامعه امکان‌پذیر است؟
  ۶. چه راهکار یا راهکارهایی -علمی، سازمانی، کارکردی و...- برای نهادینه شدن سبک زندگی اسلامی در جامعه وجود دارد؟
  ۷. آیا راهکار توسعه سبک زندگی اسلامی در استان‌های مختلف می‌تواند یکسان باشد؟
  ۸. آیا سیاست‌گذاری‌های شورای انقلاب فرهنگی برای گسترش سبک زندگی اسلامی در جامعه تا به حال مناسب بوده‌اند؟
- برای رسیدن به راهکارهای گسترش سبک زندگی اسلامی، از تعداد ۱۵ مصاحبه نیمه‌بازی که در باب فرهنگ دینی انجام شده است، استفاده شده است. مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی فایل‌های صوتی، با تکنیک کدگذاری تحلیل محتوا شدند.

### رویه تحلیل داده‌ها

روش تحلیل داده‌ها در این تحقیق از ترکیب تحلیل محتوا براساس رویه کدگذاری استراس آنسلم و مدل چهارگانه توماس اسپینگز به دست آمده است. تحلیل محتوا از جمله مباحث مهم و کاربردی است که به پژوهشگران یاری می‌رساند تا با استفاده از این روش به واری‌های خود بپردازند. تحلیل محتوا به محقق کمک می‌کند تا لایه‌های پنهان و زیرین پدیده‌های مرتبط با موضوع مورد پژوهش را به دست آورد و به حقایق موجود نزدیک شود.

تحلیل محتوا در این تحقیق روشی است که می‌توانیم براساس آن راهکارهای گسترش سبک زندگی اسلامی در جامعه را از متن مصاحبه‌های انجام شده به‌طور واقع‌بینانه یا عینی و به صورت نظام‌مند به دست آورد و از آنها استنباط‌ها و استنتاج‌هایی درباره مدل «راهکارهای گسترش سبک زندگی اسلامی» کسب نمود. رویه و تکنیک در بخش تحلیل محتوا، کدگذاری سه‌گانه

(مفهوم‌پردازی، مقوله‌بندی و تعیین مقوله‌های اصلی و نقش‌های آنها) است. مفهوم‌پردازی یا کدگذاری باز مصاحبه‌ها در تحلیل محتوا براساس مفاهیم و معانی مورد نظر صورت می‌گیرد. بنابراین، در وهله اول به داده‌های موجود در مصاحبه‌ها برچسب مفهومی زده می‌شود و سپس مفاهیم به دست آمده در گروه‌های انتزاعی تر مقوله‌بندی و کدگذاری محوری می‌شوند.

پس از مفهوم‌پردازی و کدگذاری باز، مفاهیم به دست آمده در یک سطح انتزاعی تر مقوله‌بندی و کدگذاری محوری می‌شوند. یکی از آثار مقوله‌بندی کاهش چشمگیر مفاهیم گسترده به مقوله‌های محدود است. سطح انتزاع مقوله‌ها نسبت به مفاهیم بیشتر؛ ولی نسبت به مقوله‌ها نقش بسیار کمتری دارد. کارکرد مقوله‌ها دسته‌بندی و طبقه‌بندی مفاهیم به دست آمده در خلال مفهوم‌پردازی یا کدگذاری باز است. در مرحله سوم مقوله‌های به دست آمده در مرحله کدگذاری محوری، نیز در تعدادی بسیار محدود دوباره طبقه‌بندی می‌شوند. طبقه‌بندی این مرحله کدگذاری گزینشی یا انتخابی و مقوله‌های آن سازه نامیده می‌شود. سازه‌ها بسیار انتزاعی تر از سطح انتزاع مقوله‌ها هستند، از این رو آنها را سازه نامیده‌اند. سازه‌ها دارای نقش‌های متعددی هستند. یکی از فعالیت‌هایی که محقق باید در این مرحله انجام دهد، تعیین نقش سازه‌ها در فرایند نظریه‌پردازی است. سرانجام سازه‌ها به وسیله بیان‌ها و اظهارنظرهایی مبتنی بر پیوندهایی به همدیگر متصل می‌شوند. بنابراین مراحل در روش تحلیل محتوا در این مقاله عبارت است از: ۱. عملیات استخراج داده‌ها و عملیات مفهوم‌پردازی و برچسب زدن به مصاحبه‌ها؛ ۲. مقوله‌بندی مفاهیم؛ ۳. تعیین سازه‌های اصلی، و نقش آنها؛ ۴. برقرار کردن پیوندهای منطقی بین مقوله‌های انتخابی و سازه‌ها به طور نظام‌مند در یک مدل نظری.<sup>۱</sup>

#### ۱. مفهوم‌پردازی (کدگذاری باز)

پس از جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات تحقیق با رویه‌های معتبر در تحقیقات کیفی، نوبت به تحلیل آنها می‌رسد. نخستین مرحله تحلیل محتوای کیفی مفهوم‌پردازی، یا تحلیل مفهومی<sup>۲</sup> است. تحلیل مفهومی به استخراج یک مفهوم از متن مصاحبه‌ها و دادن یک نام، عنوان یا برچسب که به طور همزمان هر داده‌ای را تلخیص و تشریح می‌کند، اشاره دارد.<sup>۳</sup> در فرایند انجام این مرحله ۳۲۰ کد باز یا مفهوم از تحلیل مفهومی متن مصاحبه‌ها به دست آمد.

۱. برای آگاهی بیشتر از چگونگی مفهوم‌سازی، مقوله‌بندی و برقراری پیوند بین مفاهیم و مقوله‌ها ر.ک: لیندلف و تیلور، روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات، ص ۲۶۷-۳۰۸.

۲. تحلیل مفهومی عبارت است از استخراج مفاهیم از داده‌های خام برحسب محتواها و ابعاد.

۳. ر.ک: محمدپور، ضد روش، منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی، ص ۳۲۷.



## ۲. مقوله‌بندی (کدگذاری محوری)

در ضمن کدگذاری باز به ۳۲۰ برچسب مفهومی دست یافتیم. این مفاهیم باید براساس معیارهای نظریه‌های سبک زندگی اعم از روان‌شناختی و جامعه‌شناختی و حتی فرهنگ‌شناختی طبقه‌بندی شوند. چون سبک زندگی به‌عنوان پدیده اصلی تحقیق مشخص بود، توانستیم مفاهیم را بر محور آن گروه‌بندی کنیم. این کار تعداد مفاهیم را کاهش داد.<sup>۱</sup>

از طریق فرایند مفهوم‌پردازی و تحلیل مفهومی (کدگذاری باز) است که مقوله‌ها<sup>۲</sup> ساخته و نام‌گذاری می‌شوند (کدگذاری محوری) و ویژگی‌های خاصی به آنها منتسب می‌گردد. در مرحله کدگذاری محوری و مقوله‌بندی باید دسته‌ای از مفاهیمی که از مصاحبه‌ها به دست آمده را براساس معنای کلی و درونی‌شان و نه بر پایه پیوند آنها با یکدیگر، ذیل یک مقوله قرار داد.<sup>۳</sup>

مدل و معیار مقوله‌بندی مفاهیم را مدل چهار جانبه تحلیل محتوا قرار داده شد. به عبارت دیگر پس از پیاده شدن متن مصاحبه‌ها، کدگذاری باز و برچسب زدن به داده‌ها، کدگذاری محوری براساس مدل چهار جانبه تحلیل کیفی آغاز شد. مراحل چهارگانه مدل که معیار مقوله‌بندی و کدگذاری محوری ما قرار گرفته است، به عبارت ذیل است:

### وضعیت‌سنجی

مسائل و مشکلاتی در وضعیت زندگی مردم موجب شده‌اند که درصدد شناخت، کشف علل و یافتن راه حل آنها برآییم. مشکل ممکن است برای همه (اعضای هیأت علمی، استادان، مدیران و مسئولان) روشن باشد و تمام مردم را دربر بگیرد و بر فرایند کارکرد جامعه و خانواده اثر بگذارد. گاهی ممکن است در چنین اوضاع و شرایط، تشخیص و درک مشکل آسان نباشد. گاهی همه قبول دارند که زندگی کردن در جامعه با مشکلاتی دست به‌گیران است، ولی در شناسایی مشکل اصلی اتفاق نظر وجود ندارد. بنابراین تحقیق را از مسائل مشترکی که جامعه، با آنها درگیر هست، آغاز می‌کنیم. در نتیجه نخستین مرحله، شناسایی مسائل فرهنگی مشترک جامعه است. گاه این کار بسیار ساده است؛ اما گاهی صرف شناسایی مشکل خود به‌تعمق نیاز دارد.

### شناسایی علل و عوامل

پس از اینکه مسائل و مشکلات به‌خوبی شناسایی شد، انگیزه طبیعی و منطق مشاهده، پژوهش

۱. ر.ک: استراس و کوربین، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ص ۶۵.

۲. طبقه‌بندی مفاهیم، مقوله مفهومی است که از سایر مفاهیم انتزاعی‌تر است.

۳. لیندلف و تیلور، روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات، ص ۲۷۸.

بیشتر را موجب می‌شوند؛ چراکه این سؤال که «راه حل مسئله یا مسائل چیست؟» سردرگمی جدیدی را به وجود می‌آورد. پاسخی که در مرحله مشاهده مسائل و مشکلات ارائه می‌شود، خود نطفه سؤالات بعدی است. به عبارت دیگر وقتی که درصدد شناسایی وضعیت موجود هستیم، مسائل نامطلوبی را تشخیص می‌دهیم، منطق مشاهده حکم می‌کند که زمینه مسائل و مشکلات نیز بررسی گردد. در این مرحله این سؤال مطرح می‌شود که اگر این وضعیت نامطلوب است خاستگاه و دلایل آن چیست؟ آیا ریشه اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و اجرایی یا ریشه فرهنگی دارد؟

### شناسایی راهکارها

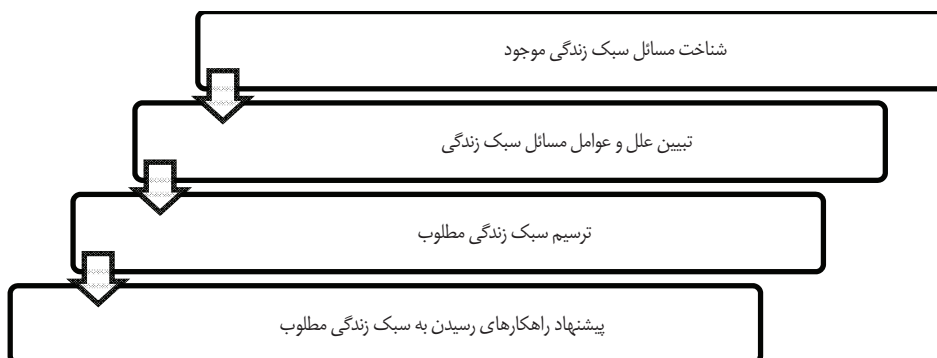
بعد از پشت سر گذاشتن مرحله دوم، نوبت به سومین مرحله از مدل فرایند تحقیق می‌رسد. یکی از اهداف این تحقیق افزون‌بر شناخت مسائل و مشکلات مورد اتفاق، ارائه راه حل‌ها و راهکارهایی برای حل مسائل و مشکلات سبک زندگی اجتماعی است. در این مرحله از پژوهش، توصیه‌ها و پیشنهادهایی برای رهایی از ضعف‌های موجود و نزدیک شدن به وضعیت مطلوب در قالب راهکارها ارائه خواهد شد.

### ترسیم وضعیت مطلوب

سرانجام در مرحله چهارم وضعیت مطلوب گزارش می‌شود. می‌توان وضعیت مطلوب را از متون و منابع دینی یا به شیوه دیالکتیکی از راه شناخت وضعیت نامطلوب ارائه کرد، چه وضعیت مطلوب می‌تواند با مشاهده بی‌نظمی و تشخیص علل آن مرحله به مرحله رشد کند. مشاهده بی‌نظمی به غیر از مشکل تشخیص علل، مسئله دیگری را نیز پیش می‌کشد و آن مسئله چگونگی وضعیت مطلوب است؛ چراکه بی‌نظمی و نابسامانی در جامعه، نه فقط انگیزه تفکر را برای محقق فراهم می‌کند، بلکه سرنخ‌هایی هم برای یافتن راه حل به او نشان می‌دهد. به عبارت دیگر مسائل و مشکلات زندگی اجتماعی، محقق را وادار می‌کند که در فکر خود به ارائه سبک زندگی مطلوب بپردازد. از این رو محقق باید به این سؤال پاسخ بدهد که اگر سبک زندگی موجود مسائل و مشکلاتی دارد، وضعیت مطلوب کدام است؟

چهار مرحله یاد شده که معیار کدگذاری محوری تحلیل پژوهش حاضر قرار گرفته است، در

مدل زیر نشان داده شده است:



نمودار ۲: معیارهای چهارگانه کدگذاری محوری در پژوهش حاضر

اما در طول کدگذاری باز مصاحبه‌ها به مطالب بسیاری برخوردیم که در هیچ‌یک از چهار محور و ابعاد مدل تحلیلی بالا قرار نداشتند. مطالبی که در توصیف سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی، انواع سبک زندگی و تفاوت آنها و... بیان شده بودند. همچنین مسائل سبک زندگی موجود در مصاحبه‌ها خود دو دسته بودند: پاره‌ای از آنها مسائل سبک زندگی را به‌طور کلی مطرح می‌کردند و بعضی از آنها مسائل سبک زندگی خاص یک صنف یا قشر را توضیح می‌دادند. از این‌رو سه کد محوری دیگر، تعریف انواع سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی، و مسائل سبک زندگی عام و خاص به چهار محوری قبلی افزوده شد که در مجموع هفت کدمحوری (انواع سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی، وضعیت سبک زندگی موجود، مسائل سبک زندگی عام و خاص، علل بی‌نظمی فرهنگی، راهکارهای اصلاح سبک زندگی، و برنامه‌ریزی برای سبک زندگی اسلامی) به دست آمد.

این کدها براساس کدهای محوری هفت‌گانه به شرح ذیل تقسیم شدند: ۱۱۸ کد ذیل کدمحوری «تعریف و انواع سبک زندگی»، ۲۱ کد ذیل کدمحوری «مسائل سبک زندگی»، ۱۵ کد ذیل کدمحوری «وضعیت سبک زندگی»، ۱۵ کد ذیل کدمحوری «مسائل سبک زندگی»، ۴۴ کد ذیل کدمحوری «علل مسائل سبک زندگی»، ۷۷ کد ذیل کدمحوری «راهکارهای اصلاح» و سرانجام ۳۰ کد ذیل کدمحوری «برنامه‌ریزی برای سبک زندگی» به دست آمد.

### ۳. تعیین نقش مقوله‌ها (کدگذاری انتخابی)

در مرحله تحلیل نقشی محقق با تعداد اندکی از مقوله‌های انتزاعی به تدوین نظریه می‌پردازد. در این مرحله همچنین باید مقوله اصلی و اساسی انتخاب شود. مقوله اصلی به دو شیوه

به دست می‌آید: نخست انتخاب یکی از مقوله‌های موجود و دوم ابداع یک مقوله جدید.<sup>۱</sup> در تحلیل نقشی، در واقع، نقش و جایگاه هر یک از مقوله‌ها برای مدلی که براساس نظریه زمینه‌ای شکل خواهد گرفت، مشخص می‌شود.

#### ۴. برقرار کردن پیوند بین مقوله‌ها

پیوند بین مقوله‌ها که مرحله‌ای پس از مفهوم‌پردازی، مقوله‌بندی و تعیین نقش‌های مقوله‌ها است، عبارت است از سلسله تکنیک‌ها و رویه‌هایی که به وسیله آنها پیوند جدیدی بین مقولات برقرار می‌شود. پیوند بین مقولات سبب می‌شود که به شیوه‌های جدیدی مقولات و اطلاعات با یکدیگر ارتباطی یابد.<sup>۲</sup> در مرحله ساخت مدل دنبال فهم سلسله پیوندهایی هستیم که مقولات را به مقوله اصلی مرتبط می‌کنند. پیوند بین مقوله‌ها براساس علل و عوامل، پدیده، زمینه، شرایط میانجی، استراتژی‌های کنش و کنش متقابل و نتایج و پیامدها که در مرحله تعیین نقش مقوله‌ها یا تحلیل نقشی به دست آمدند، مشخص می‌شوند.

نظریه زمینه‌ای = ۱. شرایط علی ← ۲. پدیده ← ۳. محتوا ← ۴. شرایط میانجی ← ۵. استراتژی‌های کنش و کنش متقابل ← ۶. پیامدها.

#### نتایج تحقیق

۱. از مجموع ۷۷ راهکار به دست آمده از تحلیل محتوایی مصاحبه‌ها، دو نوع راهکار قابل شناسایی و تفکیک هستند. بعضی از راهکارها، راهکارهایی هستند که فرایند گسترش سبک زندگی اسلامی در جامعه را نشان می‌دهند و پاره‌ای از آنها بیانگر نوع فعالیت، ویژگی‌ها و شرایط گسترش سبک زندگی در جامعه می‌باشند. از این‌رو در ارائه مدل برای راهکارهای به دست آمده می‌توان دو نوع مدل ارائه کرد: یکی مدل فرایندی راهکارها و دیگر مدل اجرایی راهکارها. هدف در مدل‌های فرایندی راهکارها نشان دادن اولویت هریک از بسته‌های راهکارها نسبت به سایر مراحل است. برای این منظور مدل فرایندی زیر پیشنهاد می‌شود.



نمودار ۳: مدل فرایندی اولویت‌بندی راهکارهای اجرایی سبک زندگی

۱. ر.ک: محمدپور، ضد روش، منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی، ص ۳۴۰.

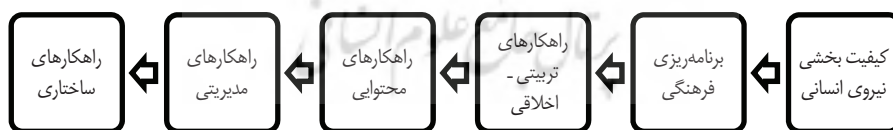
۲. ر.ک: محمدی، درآمدی بر روش تحقیق کیفی، ص ۶۵.

اما براساس مدل اجرایی راهکارها، گسترش سبک زندگی اسلامی به‌طور قطع باید به صورت شبکه‌ای و همه‌جانبه اجرا شود. گسترش سبک زندگی اسلامی تنها به صورت مردمی یا فقط به صورت دولتی و سازمانی امکان‌پذیر نیست، بلکه گسترش سبک زندگی اسلامی باید همزمان هم از سوی مردم (غیردولتی) و هم توسط سازمان‌های دولتی اجرا شود؛ اما شرط کافی گسترش سبک زندگی اسلامی اراده و مشارکت گسترده مردم در گسترش اجتماعی سبک زندگی اسلامی، و اراده و مشارکت اعضای سازمان هدف، در گسترش سازمانی سبک زندگی است. از این‌رو همه راهکارهای دیگر غیر از اراده جمعی و اراده اعضای سازمان، به‌عنوان شرط لازم نه کافی گسترش سبک زندگی اسلامی لحاظ شده‌اند. براساس شرط کافی گسترش سبک زندگی اسلامی، اراده مردمی، دو شرط دیگر که به‌طور یقین جزء شروط لازم گسترش سبک زندگی اسلامی هستند، شکل می‌گیرد: یکی اینکه به‌طور حتم گسترش سبک زندگی اسلامی امر کاملاً اختیاری خواهد بود، و دیگر اینکه گسترش سبک زندگی اسلامی در صورت توافق و اجماع مردم و اعضای سازمانی محقق خواهد شد.



نمودار ۴: نمودار گسترش سبک زندگی اسلامی

راهکارهای اجرایی براساس مدل زیر اولویت‌بندی شده‌اند. تحقق هر مرحله از مراحل مدل زیر بسته به اجرای مجموعه راهکارهای مرحله پیش قابل اجرا خواهد بود؛



نمودار ۵: راهکارهای اجرایی سبک زندگی

۲. در لابلای مصاحبه‌ها ۳۰ کد اجرایی به دست آمد که مربوط به راهکارهای گسترش سبک زندگی اسلامی بود. طبقه‌بندی این راهکارها براساس مدل اولویت‌بندی بالا در جدول زیر نمایش داده شده‌اند.

جدول ۱: راهکارهای گسترش سبک زندگی اسلامی

اولویت اول	کیفیت بخشی نیروی انسانی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- جامعه‌پذیری مجدد افراد</li> <li>- شناخت ویژگی‌های شخصیتی افراد</li> <li>- توجه به نیازهای دینی افراد</li> </ul>
اولویت دوم	برنامه‌ریزی فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- توجه به مرفولوژی (ریخت‌شناسی) اجتماعی</li> <li>- توجه به اصول نه ظواهر</li> <li>- توجه به هنجارهای غیررسمی</li> <li>- جهت دادن به هنجارها</li> <li>- مشارکت دادن همه سلیقه‌ها در امر گسترش سبک زندگی</li> <li>- مشارکت دادن مردم در امر گسترش فرهنگ</li> </ul>
اولویت سوم	راهکارهای تربیتی-اخلاقی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- گسترش سبک زندگی با مدارا</li> <li>- گسترش سبک زندگی با رفتار و عمل شایسته (نه با حرف و زبان)</li> <li>- استفاده از عاملان فرهنگی (نه فعالان سیاسی)</li> <li>- تکرار و تذکار (به‌عنوان عامل ایجاد اراده جمعی)</li> <li>- با حفظ کرامت انسان‌ها</li> <li>- استفاده از روش استدلالی</li> <li>- آزاد گذاشتن مردم در انتخاب</li> </ul>
اولویت چهارم	راهکارهای محتوایی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- افزایش معرفت دینی در محتوای درسی</li> <li>- تولید علم سبک زندگی (نظریه‌پردازی در باب سبک زندگی)</li> <li>- تولید علم دینی</li> <li>- ادغام علوم حوزوی و دانشگاهی در تولید نظریه سبک زندگی</li> <li>- آموزش معارف دینی در باب زندگی</li> </ul>
اولویت پنجم	راهکارهای مدیریتی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- برگزاری نشست‌های فرهنگی</li> <li>- برگزاری دوره‌های سبک زندگی</li> <li>- برخورد با هنجارشکنان</li> <li>- تعیین تکالیف برای مدیران فرهنگی جامعه</li> <li>- درخواست مستمر گزارش انجام تکالیف فرهنگی از مدیران در باب سبک زندگی</li> </ul>
اولویت ششم	راهکارهای ساختاری	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ایجاد مدیریت و یا گروه سبک زندگی در سازمان‌های فرهنگی جامعه</li> <li>- تأسیس کمیسیون سبک زندگی در مجلس شورای اسلامی</li> <li>- راه‌اندازی شبکه تلویزیونی سبک زندگی اسلامی</li> </ul>

۳. درباره مدل سبک زندگی اسلامی نیز داده‌های بسیاری در مصاحبه‌ها وجود داشت که براساس رویه تحلیل محتوا و در راستای ساخت مدل سبک زندگی اسلامی به نتیجه زیر رسیدیم. ساخت مدل سبک زندگی و استخراج نظریه براساس روش تحلیل محتوای کیفی در طی مراحل چند انجام شد: یک مرحله ناظر به بیان علل و عواملی است که باعث گسترش سبک زندگی اسلامی می‌شود؛ مرحله دیگر ناظر به زمینه (مجموعه ویژگی‌هایی) است که گسترش سبک زندگی اسلامی در آن جای دارد؛ سومین مرحله راهبردها و استراتژی‌های کنش و واکنش است که گسترش سبک زندگی اسلامی از طریق آن سامان می‌یابد و مدیریت و اجرا می‌شود؛ و سرانجام

مرحله‌ای است که ناظر به پیامدهای این راهبردها و استراتژی‌هاست. روش نظریه‌پردازی زمینه‌ای در بیشتر موارد باعث می‌شود، مقوله‌هایی که در بخش تحلیل محتوا به دست آمدند و از هم متمایز بودند، تحت نظریه‌ای هماهنگ و یکپارچه به هم پیوندند.

از تحلیل مجموع مصاحبه‌ها و راهکارها و مدل‌های فرایندی و اجرایی به دست آمده از آن، می‌توان نظریه‌ی زمینه‌ای زیر را که به‌عنوان نتیجه تحلیل محتوای مصاحبه‌ها در بخش راهکارهاست، ارائه کرد.

نظریه‌ی زمینه‌ای = ۱. شرایط علی ← ۲. پدیده ← ۳. محتوا ← ۴. شرایط میانجی ← ۵. استراتژی‌های کنش و کنش متقابل ← ۶. پیامدها.

جدول ۲: نظریه زمینه‌ای منتج از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها

شرایط علی <sup>۱</sup>	علل و عوامل شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی	- عوامل درونی - عوامل بیرونی	- اراده و خواست انسان - اصلاح محیط اجتماعی - برنامه‌ریزی فرهنگی - شناخت علل مسائل سبک زندگی
پدیده <sup>۲</sup>	سبک زندگی اسلامی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی	- آموزه‌های دینی درونی شده مردم و مطابقت رفتار و گفتار اکثریت مردم با آنها در جامعه - باور، اعتقادات، گرایش‌ها، عواطف، سلیقه، احساسات - ارزش‌های زیستن - رفتار و گفتار	
زمینه <sup>۳</sup>	انواع سبک زندگی اسلامی آرمان‌های کنش‌گران سبک زندگی اسلامی	- در یک تقسیم‌بندی به عام و خاص تعریف می‌شود - در تقسیمی دیگر براساس نوع صنف، قشر و گروه‌ها - در تقسیمی دیگر براساس نوع نظریه (روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و...)	- دریافت یا انتقال بهتر معنای زندگی؛ - شناخت بهتر اهداف زیستن - بهزیستی و آرامش بیشتر در زندگی - حفظ کرامت انسان - شناخت درست عالم انسانی
شرایط میانجی <sup>۴</sup>	عوامل مؤثر در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی	- پیش از این در دو مدل فرایندی و اجرایی بیان شد (فراهم بودن شرایط محتوایی، تربیتی-اخلاقی، مدیریتی، محیطی، شرط توافق، مشارکت، ابزار ارتباطی و نیروی انسانی)	

۱. شرایط علی، علت یا شرایطی که در آن عواملی سبب به وجود آمدن پدیده‌ای اجتماعی می‌شود.
۲. پدیده، حادثه و رویدادی است که به واسطه زندگی کردن مردم در کنار همدیگر [ارتباط] شکل گرفته و می‌توان در تحقیقات تاریخی بررسی و در تحقیقات اجتماعی بر آنها نظارت و کنترل داشت.
۳. محتوا (زمینه)، ویژگی‌های پدیده است، به معنایی، محتوا شرایطی است که استراتژی رفتار و ارتباطات متقابل در آن صورت می‌گیرد.
۴. شرایط میانجی، عوامل یا شرایطی هستند که استراتژی‌ها را تشدید یا کند می‌کنند.

- عدم شناخت سبک زندگی اسلامی - اختلاف در فهم و تفسیر سبک زندگی اسلامی - اجباری بودن اجرای سبک زندگی اسلامی - اجرای صرفاً دولتی و سیاسی سبک زندگی اسلامی - توجه به ظواهر سبک زندگی اسلامی - هنجارشکنی		موانع شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی	
نتیجه واکنش‌های مثبت و منفی در مقابل سبک زندگی غیردینی شکل‌گیری گروه‌های فرهنگی است	- روشنفکران غیردینی - غرب‌گرایان - بخش خاکستری جامعه - ساختارهای فرهنگی-اجتماعی غیردینی موجود - بازآفرینی ساختارهای جامعه براساس فرهنگ جدید	واکنش مثبت	سبک زندگی غیردینی و سکولار
	- مذمت از سبک زندگی غیردینی در زبان انبیا - روشنفکران دینی - رهبر انقلاب و جمهوری اسلامی - دینداران - ساختارهای دینی موجود	واکنش منفی	
	- چهل انسان‌ها - کمبود منابع شناخت - رسانه‌ها - پیچیدگی معانی بین ذهنی	علل تنوع در سبک زندگی	
	- به مخاطره افتادن اساس جامعه - کاهش کارکردهای سبک زندگی - تعارض سبک زندگی اسلامی با ارزش‌های غیرانسانی و لیبرالی	علل واکنش منفی	
	- ایجاد و شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی - بازتولید ساختاری سبک زندگی	سبک زندگی اسلامی	پیامد

### جمع‌بندی

اصلاح فردی و اجتماعی کانون توجه همه فعالیت‌های علمی و عملی فردی و اجتماعی است. اصلاح نیازمند علوم، مدل‌ها و راهکارهای اجرایی خاص خود است. ارائه راهکارهای اجرایی منحصر در یک پدیده اجتماعی مشخص نیست، بلکه می‌توان برای تحقق هر پدیده‌ای از آنها استفاده کرد؛ چراکه ایجاد یا گسترش یک پدیده مثل سبک زندگی در حوزه مدل‌های روش‌شناختی و مدیریت استراتژی و راهبردی قرار دارد.

براساس بیان گذشته سؤال تحقیق این‌گونه صورت‌بندی شد که راهکارهای اصلاح سبک زندگی در جامعه اسلامی کدامند؟ به سخن دیگر راهکارهای گسترش سبک زندگی اسلامی در جامعه چیست و براساس چه مدلی می‌توان به این مهم دست یافت؟ برای جمع‌آوری داده‌ها از



۱۵ مصاحبه نیمه‌باز استفاده شد. پرسش‌های مصاحبه‌ها از قبل مشخص و نه کاملاً باز و نه کاملاً بسته و هدایت شده به جهتی خاص و مشخص طرح شدند. پرسش‌ها به شکلی طرح شده بودند که اطلاعاتی را از مصاحبه‌شونده در مورد راهکارهای گسترش سبک زندگی کسب کنند.

روش تحلیل داده‌ها در این تحقیق از ترکیب تحلیل محتوا براساس رویه کدگذاری استراس آنسلم و مدل چهارجانبه اصلاحی توماس اسپینگز به دست آمده است. رویه و تکنیک در بخش تحلیل محتوای تحقیق کدگذاری سه‌گانه (مفهوم‌پردازی، مقوله‌بندی و تعیین مقوله‌های اصلی و نقش‌های آنها) است که سرانجام براساس مدل اسپینگز تنظیم شدند.

در مجموع ۷۷ راهکار برای گسترش سبک زندگی به دست آمد. از تحلیل محتوایی مصاحبه‌ها، دو دسته راهکار قابل شناسایی و تفکیک شدند. بعضی از راهکارها، راهکارهایی هستند که فرایند گسترش سبک زندگی اسلامی در جامعه را نشان می‌دهند و پاره‌ای از آنها بیانگر نوع فعالیت، ویژگی‌ها و شرایط گسترش سبک زندگی در جامعه می‌باشند. از این‌رو در ارائه مدل برای راهکارهای به دست آمده می‌توان دو نوع مدل ارائه کرد: یکی مدل فرایندی راهکارها و دیگر مدل اجرایی راهکارها.

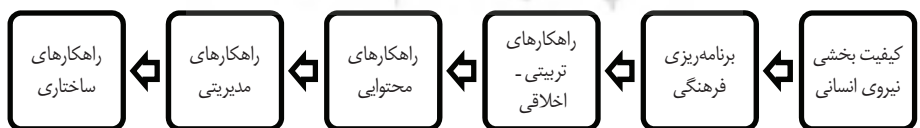


نمودار ۶: مدل فرایندی راهکارهای سبک زندگی



نمودار ۷: مدل اجرایی راهکارهای سبک زندگی

راهکارهای اجرایی براساس مدل زیر اولویت‌بندی شده‌اند. تحقق هر مرحله از مراحل مدل زیر بسته به اجرای مجموعه راهکارهای مرحله قبل دارد.



نمودار ۸: اولویت‌بندی راهکارهای اجرایی سبک زندگی

در زیر هر مرحله از مدل بالا راهکارهایی به دست آمد که در نتایج تحقیق آورده شد.

## منابع

## \* قرآن کریم

۱. استراس، آنسلم و ژولیت کوربین (۱۳۸۵)، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. اسپریگنز، تامس (۱۳۷۰)، فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: آگاه.
۳. بلیکی، نورمن (۱۳۸۴)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
۴. توماس، س. کوهن (۱۳۸۳)، ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه عباس طاهری، تهران: نشر قصه.
۵. الحرّ العاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۶ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، (۳۰ جلدی)، بیروت: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، الاحیاء التراث.
۶. حکیم، محمدباقر (۱۳۸۷) جامعه انسانی از دیدگاه قرآن کریم، ترجمه موسی دانش، مشهد: آستان قدس رضوی.
۷. رابرتسون، یان (۱۳۷۲)، درآمدی بر جامعه (با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی)، ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.
۸. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷)، آناتومی جامعه مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۹. ریتزر، جورج (۱۳۸۵)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۱۰. شرت، ایون (۱۳۸۷)، فلسفه علوم اجتماعی قاره‌ای: هرمنوتیک، تبارشناسی و نظریه انتقادی از یونان باستان تا قرن بیست و یکم، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
۱۱. صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۸۲)، بررسی ساختار نظام اجتماعی در اسلام، تهران: اداره کل پژوهش‌های سیما.
۱۲. صفار، محمد بن حسن (۱۳۸۹)، بصائر الدرجات فی علوم آل محمد علیهم‌السلام، ترجمه علیرضا زکی‌زاده رنانی، تهران: وثوق.
۱۳. طالبان، محمدرضا (۱۳۸۸)، روش‌شناسی مطالعات انقلاب: با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۴. علیپور، مهدی (۱۳۸۹)، پارادایم اجتهادی دانش دینی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۵. لیندلف، تامس و برایان تیلور (۱۳۸۸)، روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات، ترجمه عبدالله گیویان، تهران: همشهری.
۱۶. لیتل، دانیل (۱۳۷۳)، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۱۷. کافی، مجید (۱۳۷۹)، «باورهای علم دینی»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، ش ۲۳.
۱۸. محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، ضد روش، منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی، تهران: جامعه‌شناسان.
۱۹. محمدی، بیوک (۱۳۸۷)، درآمدی بر روش تحقیق کیفی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

